

بسمه تعالی

طرح پایان نامه

دانشجو: زهرا سادات غمامی/فقه و حقوق اسلامی/کد ۸۵

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر عظیم زاده

استاد مشاور: سرکار خانم حوریه اکبرنژاد حسینی

■ پایان نامه اینجانب شامل پنج مقاله مندرج در دانشنامه جامع حقوق زنان است که خلاصه هر مقاله در ذیل آمده است:

۱) حقوق زنان سرپرست خانوار در نظام حقوقی ایران

بررسی آیات، روایات و قانون مدنی نشان می‌دهد برخی از تکالیف مختص مرد خانواده است و زنان تکلیفی در این امور به عهده ندارند؛ اما در صورتی که به هر علتی از جمله فوت، از کارافتادگی، طلاق همسر، این مسوولیت بر دوش آنان نهاده شود، با نقش‌های چندگانه‌ای در زندگی مواجه می‌شوند، که پیامدهای خاصی را برای آنان و خانواده‌شان به بار می‌آورد. بنابراین نهادهای دولتی و غیر دولتی باید بر مبنای تعالیم دینی اسلام که حمایت از زنان فاقد سرپرست را از وظایف حکومت اسلامی می‌داند؛ حمایت‌های خود را در جهت توانمندی این زنان و حل مشکلات آنان به کار گیرند. اما به دلیل نقص محتوایی و اجرایی (و در برخی موارد اجمال یا سکوت) قوانین حمایتی و عملکرد غیر سازمان‌یافته نهادهای مختلف، حمایت این نهادها به میزان کافی کارآمد نمی‌باشد. در این تحقیق پیشنهاد می‌شود که دولت با اصلاح قوانین و عملکرد سازمانها، آگاه‌سازی و افزایش توانمندی زنان سرپرست خانوار و حمایت‌های کارآمدتر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در جهت بهبود وضعیت زندگی این زنان گام بردارد.

۲) حقوق زنان فاقد سرپرست در نظام حقوقی ایران

بررسی آیات، روایات و کتب فقهی نشان می‌دهد که بحث حمایت از زنان فاقد سرپرست در اسلام نیز گوشزد شده است و حکومت اسلامی در مقابل این قشر، وظیفه خطیری دارد و باید تا حد ممکن با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های جامع و مناسب، مسوولیت‌های چندگانه‌ای را که بنا به شرایط خاص، بر دوش این گروه نهاده شده است کاهش دهد، در غیر اینصورت مشکلاتی که در مسیر زندگی آنان وجود دارد، آنان را از پای در خواهد آورد و طبیعتاً فلج شدن عضوی از جامعه، به کل آن جامعه تسری می‌یابد. هم‌اکنون در جهت حمایت از زنان فاقد سرپرست، قوانین و سازمانهای حمایتی متعددی، شکل گرفته است، اما به دلیل نقص‌ها و خلأهایی که در محتوا و اجرای قوانین و عملکرد نهادهای حمایتی وجود دارد، از میزان کارآمدی سیستم‌های حمایتی می‌کاهد. برای بهبود هر چه بیشتر مسائل حمایتی زنان فاقد سرپرست و از بین بردن نواقص مذکور راهکارهایی از جمله سرشماری دقیق این زنان، ایجاد تعاونی‌های مخصوص زنان فاقد سرپرست، جلوگیری از فعالیت‌های موازی سازمان‌های حمایتی، تغییر نگرش جامعه نسبت به زنان فاقد سرپرست، توانمند سازی آنان و ... ارائه شد تا بتوان شاهد تغییراتی در اوضاع زندگی آنان بود.

۳) حق تامین اجتماعی زنان شاغل در نظام حقوقی ایران

در مجموع اگر چه قوانین متعددی در ایران در خصوص حق تامین اجتماعی زنان شاغل وجود دارد، اما حمایت‌هایی که برای زنان شاغل با توجه به قوانین در نظر گرفته می‌شود باید با توجه بیشتر به فلسفه آموزه‌های دینی، ارائه شود. در این صورت است که زنان قادر خواهند بود تا با اصالت دادن به سنگر «خانه» در «اجتماع» نیز به نحو شایسته، ضمن رعایت حدود الهی، به وظایف قانونی و اجتماعی خود عمل کنند. در واقع می‌توان گفت حمایت‌های ناشی از این قوانین (به دلیل مشکلات تبیین شده در بخش پیشنهادات)

به اندازه‌ای کارا نیست تا خلاهای ناشی از نقش‌های چندگانه زنان شاغل را جبران کند. با توجه به مشکلات و نواقصی که در سیستم حمایتی و قوانین راجع به زنان شاغل، وجود دارد پیشنهادات و راهکارهایی از جمله رسمیت بخشیدن به اقتصاد غیررسمی، گسترش مفهوم تأمین اجتماعی و توسل به سایر انواع نظام‌های حمایت اجتماعی، پرداخت حق تأهل اشتغال خانگی به زنان شاغل و ... ارائه شد که امید است در جهت تأمین اجتماعی مثر ثمر واقع گردد.

۴) حق تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار در نظام حقوقی ایران

زنان در خانه به امور فراوانی از جمله شیردهی، بارداری، زایمان، نگهداری فرزندان و تربیت آنان، رسیدگی به امور همسر، آشپزی، رسیدگی به خانه و ... می‌پردازند که هم از دیدگاه آموزه‌های دینی و هم قانون اساسی ما، ارزش این اعمال هم از لحاظ دنیوی و هم اخروی بسیار بالاست، همانطور که در مقدمه قانون اساسی آمده، زن با کار در خانه پرورش دهنده انسان‌های مکتبی و هم‌رزم مرد خود در زندگی می‌باشد و با انجام این امور پذیرای مسوولیت خطیرتری نسبت به مرد است. بنابراین دولت نیز باید با توجه به نقش بنیادین زنان خانه‌دار، نهایت تلاش خود را در جهت حمایت و تأمین اجتماعی این قشر از جامعه به کار برد؛ مخصوصاً اینکه زنان، بسیاری از این امور را داوطلبانه انجام می‌دهند. با این اوصاف ملاحظه می‌شود که اگر چه زنان نقش بسیار مثبتی (حتی نقش اقتصادی) در جامعه دارند، اما عضو غیرفعال اقتصادی کشور ما تلقی می‌شوند؛ حتی از لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز ارزش کمتری نسبت به زنان شاغل، از دیدگاه عرف جامعه ما دارند. با توجه به مسائل مذکور، دولت، نه تنها باید زنان خانه‌دار را از بعد تأمین اجتماعی تحت پوشش نهادی مستقل حمایت کند بلکه باید مانند مشاغل، به آنان آموزش‌های لازم برای امور خانه‌داری دهد و دید جامعه را نسبت به این امر خطیر تغییر دهد؛ همچنین باید این گروه عملاً فعال در جامعه را از بعد نظری نیز فعال به حساب آورد، در واقع نباید انجام یک سری اعمال را به صورت تبرعی دلیل بر غیر فعال بودن دانست.

۵) حق آموزش زنان در نظام حقوقی ایران

از مجموع مدارک در بخش آموزه‌های دینی استنباط می‌شود که حق آموزش نه تنها جنسیت‌پذیر نیست، بلکه هم در مورد زنان و هم مردان سفارشات فراوانی در باب اکتساب علم وجود دارد. تعلم برخی از علوم در دین اسلام مانند احکام و مسائل شرعی واجب عینی است، یعنی یادگیری آن بر همه واجب است. برخی دیگر از علوم مانند مهارت‌های زندگی و دانش خانواده نیز اگر چه اکتساب آن بر زن واجب نیست، اما یادگیری آن به زنان سفارش شده است. دیدگاه قوانین نیز همان دیدگاه آموزه‌های دینی اسلام است، یعنی حق آموزش هم مختص زنان و هم مردان است، اما بر روی علوم عمومی که واجب عینی هستند و یا علوم سفارش شده برای زنان تأکید چندانی نشده است، به همین دلیل برنامه‌ریزی منسجمی در این زمینه به چشم نمی‌خورد.